

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۱۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۹

ضرورت قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه

سید محمد مرتضوی*

چکیده

یکی از پرسش‌هایی که همواره ذهن بشر را به خود مشغول کرده، آینده بشر یا به تعبیر دیگر، پایان تاریخ است. اندیشمندان با هر دیدگاه و گرایشی کوشیده‌اند به این سؤال پاسخ دهند. آنان آینده بشر را روشن و همراه با صلح، صفا، آرامش، امنیت و گسترش عدالت می‌دانند. عده‌ای تحقق آن را خارج از اختیار بشر و نتیجه جبر تاریخی می‌شمارند و برخی آن را اختیاری دانسته، معتقد به راه‌اندازی جنگ تمدن‌ها برای تحقق آن هستند. ادیان الهی یهود، مسیحیت و اسلام نیز آینده زندگی بشر را روشن و تحقق آن را در گرو ظهور منجی می‌دانند. در اندیشه مسلمانان این تحول جهانی به دست یکی از فرزندان رسول خدا ﷺ به نام حضرت مهدی ﷺ رقم خواهد خورد. اکنون پرسش اساسی این است که در اندیشه دینی، چه ضرورتی برای پیدایش این قیام جهانی وجود دارد؟

نوشتار حاضر با بررسی متون دینی در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است. با بررسی آیات قرآن و روایات اسلامی در می‌یابیم که بعضی وعده‌های خداوند به مؤمنان، مانند تداوم تقلین تا پایان تاریخ، حاکمیت جهانی دین خدا، حاکمیت مؤمنان و مستضعفان و صالحان، پیروزی حق بر باطل و... و نیز برخی وعده‌های رسول خدا ﷺ به امت اسلامی، همچون به قدرت رسیدن دوازدهمین جانشین او و قیام جهانی حضرت مهدی ﷺ و فراگیر شدن عدالت در همه جهان هنوز تحقق نیافته است. از این رو باید به ضرورت قیام جهانی توسط انسانی الهی و معصوم قائل شویم.

واژگان کلیدی

تخلف‌ناپذیری وعده‌های خداوند، وعده‌های تحقق نیافته الهی، وعده‌های تحقق نیافته رسول خدا ﷺ، قیام جهانی حضرت مهدی ﷺ.

مقدمه

تحقق نیافتن آرزوها یا به تعبیر دیگر، تخلف مراد از اراده، عللی دارد؛ زیرا گاهی انسان چیزی را می‌خواهد، ولی از انجام آن ناتوان است؛ گاهی انسان چیزی را می‌خواهد، ولی بدون همکاری دیگران نمی‌تواند آن را انجام دهد؛ گاه انسان چیزی را می‌خواهد، ولی چون مالک آن نیست نمی‌تواند در آن تصرف کند؛ گاهی انسان چیزی را می‌خواهد، ولی چیزی مانع انجام آن می‌شود؛ گاهی انسان چیزی را می‌خواهد، ولی نمی‌داند چگونه باید آن را انجام دهد؛ گاهی انسان چیزی را می‌خواهد، ولی نمی‌داند انجام آن به مصلحت است یا نه و انجام نمی‌دهد؛ گاهی انسان چیزی را می‌خواهد، ولی به دلیل این‌که از آینده خبر ندارد از انجام آن سر باز می‌زند و علل دیگری که از تحقق اراده انسان جلوگیری می‌کند.

در اندیشه دینی، خداوند دارای صفاتی مانند علم، قدرت و بی‌نیازی است که تخلف مراد از اراده درباره خداوند محال است؛ زیرا او غنی است و نیازی به دیگران ندارد: «وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ». (آل عمران: ۹۸) در انجام کارهایش نیز بی‌نیاز از دیگران است و دیگران به او نیازمندند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ». (فاطر: ۱۵) او مالک همه هستی است. و می‌تواند در هر چیزی تصرف کند: «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (آل عمران: ۱۸۹) تغییر هر پدیده‌ای در اختیار اوست: «إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبَكُمُ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (توبه: ۳۹) آفرینش هر عاملی نیز در اختیار اوست: «يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (نور: ۴۵) بر انجام هر کاری تواناست. «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (بقره: ۱۰۹) او به عملکرد انسان عالم است: «وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرُّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ». (انعام: ۳) حتی وسوسه‌های فکری انسان نیز از او پنهان نیست: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَّمَ مَا تَوْسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ». (ق: ۱۶) درون و بیرون بشر را می‌داند: «أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ». (بقره: ۷۷) عالم به همه هستی است: «قُلْ إِنْ تَحْفَوُا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمَهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (آل عمران: ۲۹) به آینده هستی و انسان آگاه است: «اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْتَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ». (رعد: ۸) هیچ چیزی نمی‌تواند مانع تحقق اراده او شود: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا». (فاطر: ۴۴) بدین‌سان در آیات بسیاری بر این مسئله تأکید شده است که خداوند به وعده‌اش عمل می‌کند و وعده الهی تخلف‌ناپذیر است؛ به عنوان نمونه: «وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۶) و دهها آیه دیگر.



ضرورت تحقق وعده‌های الهی

بر اساس آنچه گفته شد، وعده‌های خداوند تخلف‌ناپذیر است و تحقق خواهد یافت. از سوی دیگر، خداوند در قرآن و کتب آسمانی پیشین وعده‌هایی داده است که این وعده‌های الهی تا کنون محقق نشده‌اند. این وعده‌ها عبارتند از:

۱. حاکمیت جهانی دین خدا

به کار بردن صفاتی همچون علیم، حکیم و... درباره خداوند چنین تعریف شده است: شناخت پدیده‌ها و آفرینش آن‌ها در نهایت استواری. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۲۴۹) بنابراین امکان ندارد از خداوند حکیم، کاری بیهوده سر زند. نتیجه این اصل آن است که مجموعه نظام هستی از جمله انسان برای هدفی خاص آفریده شده است: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ». (ص: ۲۷) در قرآن و احادیث برای آفرینش انسان سه نوع هدف طراحی شده است:

الف) آباد کردن زمین

از آن‌جا که انسان موجودی مادی است و باید در زمین زندگی کند، هدف مقدماتی او آباد کردن زمین است: «هُوَ أَتَشَاكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا». (هود: ۶۱) و روزی او در زمین نهاده شده است: «وَجَعَلْ فِيهَا رِوَاسِي مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءٍ لِّلْسَائِلِينَ». (فصلت: ۱۰) بنابراین باید زمین را آباد کند تا زنده بماند. بر این اساس، امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر، آباد کردن زمین را یکی از وظایف حکومت اسلامی می‌داند:

وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا، وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا. (شریف رضی، ۱۴۲۷: نامه ۵۳)

مقدماتی بودن این هدف نیز در مقایسه با هدف نهایی است.

ب) گسترش نسل

یکی از اهداف خلقت انسان، پیدایش انسان‌های فراوان است. بنابراین تولید مثل و گسترش نسل، هدف متوسط خلقت انسان به شمار می‌رود: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً». (نحل: ۷۲) بر این اساس، تولید مثل در بسیاری از روایات مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

تَزَوَّجُوا بِكْرًا وَ لَوْ دَأْبًا..... فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْاُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (عاملی، ۱۴۱۲: ج ۲۰، ۵۴)

ج) قرب الی الله

هدف نهایی خلقت انسان، کمال اوست که به تعبیر دیگر، قرب الی الله و تسلیم بودن در برابر خداوند و عبودیت اوست: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». (ذاریات: ۵۶)

هدف نهایی آفرینش در انسان آن گاه تحقق می‌یابد که انسان در رفتار، گفتار و افکارش در برابر خداوند تسلیم باشد. واقعیت و روح دین یعنی تسلیم بودن در برابر خداوند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَلْتُوا إِلَيْكُمُ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (آل عمران: ۱۹) نماد این تسلیم بودن در پیروی از آن چه پیامبران آورده‌اند قرار دارد که کامل‌ترین آن دستورات، توسط رسول خدا ﷺ به عنوان دین خاتم بیان شده است: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (احزاب: ۴۰)

با توجه به این که دین، دین پایانی است و کمال جامعه بشری در پیروی از این دین است خداوند اراده کرده این دین را در سراسر جهان گسترش دهد تا بر همه ادیان غلبه کند: «هُوَ الْأَذْيُ أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳)

کفر و شرک، تسلیم نشدن در برابر خداوند است. کافران و مشرکان تلاش گسترده‌ای را برای نابودی و محو دین به کار می‌گیرند؛ در مقابل، اراده قطعی خداوند بر حاکمیت دین حق است: «رِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَآ أَن يُنِيرَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه: ۳۲)

با توجه به این که تسلیم شدن در برابر خداوند - که همان توحید باشد - کاری اختیاری است و باید انسان‌ها با انتخاب خود به آن برسند، خداوند از مؤمنان خواسته است در مبارزه گسترده حق و باطل شرکت کنند تا حاکمیت دین خداوند استقرار یابد: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَآ عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۹۳) در این آیه خداوند پایان این مبارزه را پایان فتنه و حاکمیت دین خدا بر همه ادیان می‌داند.

فتنه در لغت، کاربردهای متفاوتی دارد؛ برخی بر این باورند که اصل درباره «فَتَنَ» چیزی است که موجب اختلاف و هرج و مرج همراه با اضطراب شود و اموال، اولاد و کفر و... از مصادیق آن هستند. (مصطفوی، بی تا: ج ۹، ۲۳)

لغت‌شناس معروف عرب می‌گوید:

فتنه در گمراه کردن و گناه به کار می‌رود و فتنه‌گر به منحرف از حق گفته می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۳، ۳۱۸)

در مجموع می‌توان گفت فتنه به معنای غبارآلود کردن فضا با هدف تشخیص ندادن حق از باطل است.

بر این اساس، به فرموده امام صادق علیه السلام مقصود از فتنه شرک است (طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۲۸۷)؛ زیرا شرک و اندیشه‌های شرک‌آلود و تلاش مشرکان، فضای غبارآلودی را پدید می‌آورد که از تشخیص حق که توحید باشد جلوگیری می‌کند. از این رو قرآن کریم فتنه را هم بزرگ‌تر از قتل می‌داند: «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره: ۲۱۷) و هم شدیدتر از آن معرفی می‌کند: «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنْ الْقَتْلِ» (بقره: ۱۹۱)

علامه طباطبایی در پاسخ این سؤال که چگونه فتنه از قتل بدتر است می‌گوید:
در قتل تنها زندگی دنیوی شخص از میان می‌رود، ولی در فتنه هم زندگی دنیوی و هم
زندگی اخروی او از بین می‌رود. (طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۲، ۶۱)

می‌توان میان فتنه و شرک این تفاوت را گذاشت که شرک تلاش شخصی برای نابودی حیات
معنوی شخص است؛ از این رو در شریعت، شرک نه مجاز است: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا
بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳) و نه قابل عفو و بخشایش: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ
يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا» (نساء: ۴۸)، ولی فتنه
تلاش جمعی برای سلب حیات معنوی مردم است و از برجسته‌ترین مصداق‌های فتنه، ترویج
اندیشه‌های انحرافی، تبلیغ زشتی‌های مفسد اخلاقی و اجتماعی است؛ از این رو مبارزه با فتنه
بسی سخت‌تر، بایسته‌تر و مفیدتر است. بر این اساس در قرآن، مبارزه با دشمن خارجی تا هنگام
آمادگی آن‌ها برای صلح مجاز دانسته شده است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ
هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال: ۶۱)، ولی مبارزه با شرک و فتنه تا نابودی آن باید ادامه یابد «وَقَاتِلُوهُمْ
حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ». (بقره: ۱۹۳) بنابراین اراده‌ خداوند بر نابودی شرک، کفر و
فتنه است که هنوز تحقق نیافته و باید محقق شود.

۲. حاکمیت مؤمنان

حاکمیت دین جز با تلاش دین‌داران و امداد غیبی امکان ندارد. از این رو خداوند به مؤمنان
وعده داده است که در صورت تلاش، حاکمیت زمین را در اختیار آنان قرار خواهد داد: «وَعَدَ اللَّهُ
الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَبِمَكِّنِّ لَهُمْ
دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». (نور: ۵۵) در این آیه حاکمیت مؤمنان با ویژگی‌هایی بیان شده است که جز
با حاکمیت دین در سراسر جهان انطباق‌پذیر نیست. یکی از این ویژگی‌ها تمکین دین، به معنای
تسلط و اختیارات مطلق و ضمانت اجرای دستورات است. (زمخشری، ۱۳۹۷: ج ۳، ۱۶۵) چنین
حاکمیتی که دین در همه جای جهان گسترش یابد و دستورات آن عملی شود جز با استقرار
حکومت جهانی امکان‌پذیر نیست. امنیت جهانی مؤمنان از جمله این ویژگی‌ها به شمار می‌رود؛
زیرا تبدیل به معنای تغییر ویژه است. (فیومی، ۱۴۲۵: ۳۹) ویژگی این تغییر، جهانی بودن آن
است. از این رو امام صادق علیه السلام در نقد اندیشه کسانی که مصداق آیه را صدر اسلام دانسته‌اند
می‌فرماید: «کجا در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از آن، چنین امنیتی برای مؤمنان به وجود آمده
است؟» (صدوق، ج ۲، ۳۷) بر همین اساس، مصداق آیه در قیام جهانی امام زمان علیه السلام تحقق پیدا
خواهد کرد. بر این نکته، هم در روایات شیعه (بحرانی، ۱۴۲۸: ج ۵، ۴۲۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۳:

ج ۲، ۳۷؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۷، ۱۵۲) و هم در روایات اهل سنت تأکید شده است. (حسکانی، ۱۴۲۷: ج ۲، ۶۲۲)

۳. حاکمیت مستضعفان

از جمله وعده‌های قطعی خداوند، حاکمیت مستضعفان است: «وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) گرچه این آیه در ضمن آیات مربوط به بنی اسرائیل وارد شده است (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۱۳، ۲۴۹)، ولی منحصر به آنان نیست. حتی اگر دربارهٔ آنان نیز نازل شده باشد شأن نزول مخصّص آیه نیست. (حجتی، ۱۳۷۲: ۱۰۳) افزون بر آن که در آیه ویژگی‌هایی یاد شده است که بنی اسرائیل نمی‌تواند مصداق آن باشند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف) کاربرد واژه «نرید»

این واژه مضارع دلالت بر حال یا آینده می‌کند، نه گذشته. (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۲۵؛ شرتونی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۱۴)

ب) کاربرد واژه «استضعاف»

واژه استضعاف در قرآن در برابر استکبار به کار می‌رود و نتیجه کارکرد مستکبران است: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: ۴) که با تحقیر و استهزا: «ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ * إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلِكِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ * فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ» (مؤمنون: ۴۵ - ۴۷)، تهدید و تبعید: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شَعْبِيبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ» (اعراف: ۸۸)، قتل و شکنجه: «قَالَ آمَنْتُ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَىٰ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ آيَدِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَ لَتَعْلَمَنَّ أَنِنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ» (طه: ۷۱) و... جامعه را طبقاتی کرده، حقوق مردم را از آنان سلب می‌کنند. بنابراین مستضعفان کسانی هستند که در جامعه حقوق آنان سلب شده و با تلاشی که انجام می‌دهند نمی‌توانند حقوق خود را به دست آورند و به جایگاه اجتماعی که شایسته آن هستند برسند. آن عملکرد و این نتیجه، منحصر به فرعون و بنی اسرائیل نیست، بلکه با توجه به قرینه‌های موجود در آیه باید قوم دیگری مورد نظر باشند.

ج) نجعلهم ائمه

ائمه، جمع امام و امام چیزی است که به آن اقتدا می‌کنند؛ چه انسان و چه غیرانسان. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۸۷) با توجه به این که آیه درصدد بیان موقعیت اجتماعی مستضعفان است،



امامت آنان به این معناست که رهبری جامعه بشری به عهده آنان خواهد بود و آنان با در اختیار گرفتن حاکمیت، به الگو برای جامعه تبدیل خواهند شد و نظر به این که جمله با فعل مضارع آغاز شده است باید در آینده اتفاق بیفتد.

د) نجعلهم الوارثین

ارث، انتقال چیزی به دیگری بدون عقد و قرارداد است. (همو: ۸۶۳) مقصود از ارث در این آیه حاکمیت است و با توجه به این که جمله با فعل مضارع آغاز شده، این رویداد به آینده مربوط می‌شود.

ه) روایات

افزون بر قرینه‌های موجود در آیه که از رخداد این پدیده در آینده حکایت می‌کند، روایاتی که در تفسیر و توضیح آیه وارد شده است بیان‌گر این حادثه در آینده تاریخ و در قیام جهانی مهدی علیه السلام است. بر اساس این روایات، مقصود از «مستضعفان»، اهل بیت علیهم السلام هستند. این نوع روایات در منابع شیعه و اهل سنت موجود است. به عنوان نمونه، از امام صادق علیه السلام نقل شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهی به امام علی، حسن و حسین علیهم السلام کرد و گریست و فرمود: «مستضعفان بعد از من شما هستید.» مفضل پرسید: یعنی چه؟ امام فرمود: «یعنی رهبران جامعه بعد از من شما هستید» و آن‌گاه حضرت آیه مورد بحث را قرائت کرد و فرمود: «این آیه تا قیامت درباره ما جاری است.» (صدوق، ۱۴۱۸: ۷۹)

در منابع اهل سنت نیز به نقل از امام علی علیه السلام آمده که این آیه درباره ما نازل شده است. (حسکانی، ۱۴۲۷: ۶۴۵؛ ابن بطریق، ۱۴۰۶: ۱۷۲)

چنین حاکمیت سراسری تا کنون روی نداده است که باید در پایان تاریخ اتفاق بیفتد.

۴. حاکمیت صالحان

وعدۀ حاکمیت جهانی صالحان تنها در قرآن مطرح نشده است، بلکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ (انبیاء: ۱۰۵)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

واژه کتب به معنای قطعی کردن مسئله مورد بحث است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ج ۱، ۶۹۹) و

آن چه در زبور آمده است عبارت است:

و نهالی از تنه یسی بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت؛ یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود، بلکه مسکینان را به عدالت

داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرآوری با هم، و طفل کوچک آن‌ها را خواهند راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آن‌ها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت. (انجمن کتاب مقدس، ۱۹۸۷: کتاب اشعیا نبی، باب ۱۱، فقره ۱ - ۱۰۲۱، ۹)

چنین عدالت جهانی و آرامش سراسری که همه انسان‌ها و حیوانات در کنار هم در صلح و صفا زندگی کنند، تا کنون رخ نداده و این وعده خداوند باید در آینده تاریخ محقق گردد.

۵. پیروزی حق بر باطل

در جهانی که ما زندگی می‌کنیم حق و باطلی وجود دارد: «حَقُّ وَبَاطِلٌ، وَلِكُلِّ أَهْلٍ» (شریف رضی، ۱۴۲۷: خطبه ۱۶) و خداوند هر دو را مشخص کرده است: «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ». (بلد: ۱۰) پیروی از این دو را اختیاری قرار داده است: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف: ۲۹) و درگیری حق و باطل را درگیری تاریخی می‌داند: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء: ۷۶) و زمینه‌های این درگیری را خود خداوند به وجود می‌آورد: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ». (آل عمران: ۱۴۰) در این درگیری‌ها گاه حق پیروز می‌شده و گاه شکست می‌خورده است:

وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا، مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا، وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقْمِ، وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَلْمِ، وَ جِدًّا عَلَى جِهَادِ الْعَدُوِّ، وَ لَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ مِنَّا وَ الْآخَرُ مِنْ عَدُوِّنَا يَتَصَاوَلَانِ تَصَاوُلَ الْفَحْلَيْنِ، يَتَخَالَسَانِ أَنْفُسَهُمَا: أَيُّهُمَا يَسْقَى صَاحِبِهِ كَأْسَ الْمُنُونِ، فَمَرَّةً لَنَا مِنْ عَدُوِّنَا، وَ مَرَّةً لِعَدُوِّنَا مِنَّا، فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ عَدُوِّنَا الْكِبْتَ، وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ، حَتَّى اسْتَقَرَّ الْإِسْلَامُ مُلْقِيًا جِرَانَهُ وَ مُتَبَوِّئًا أَوْطَانَهُ، وَ لَعَمْرِي لَوْ كُنَّا نَأْتِي مَا آتَيْتُمْ، مَا قَامَ لِلدِّينِ عَمُودٌ، وَ لَا أَخْضَرَ لِلْإِيمَانِ عُودٌ. وَ أَيْمُ اللَّهِ لَتَحْتَلِبُنَّهَا دَمًا، وَ لَتَتَّبِعُنَّهَا نَدْمًا. (شریف رضی، ۱۴۲۷: خطبه ۵۵)

حکمت این درگیری‌ها نیز مشخص شدن صفوف و برملا شدن ناخالصی‌هاست: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران: ۱۴۰)، ولی برآیند این مبارزه، پیروزی حق بر باطل است: «بَلْ تَقْدِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ» (انبیاء: ۱۸) «وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ

زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ (اسراء: ۸۱)، چنان که خداوند در گذشته تاریخ، وعده پیروزی نهایی حق را داده است: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ». (صافات: ۱۷۳ - ۱۷۴)

واژه «کلمه» در قرآن کاربردهای گوناگونی دارد، از جمله به معنای وعده آمده است. (تفلیسی، بی تا: ۲۵۳؛ عضیمه، ۱۳۸۰: ۵۳۳) بنابراین از جمله «سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا» درمی یابیم که این وعده به پیامبران پیشین نیز داده شده است و آنان با ایمان راسخی که به وعده الهی داشتند مقاومتی وصف ناپذیر در این مبارزه از خود نشان داده اند: «وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيشُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۶) و به پیامبر اسلام ﷺ نیز دستور می دهد در این مبارزه آنان را الگو قرار دهد: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ». (احقاف: ۳۵) خداوند پیروزی آنان را در این مبارزه قطعی اعلام کرده است: «كَتَبَ اللَّهُ تَأْلِيفًا أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (مجادله: ۲۱) و پیروزی انبیا و پیامبران، پیروزی آرمان و اندیشه های آنان و در رأس آنها توحید و یکتاپرستی است، تا آن جا که رسول خدا ﷺ حاضر است در راه رسالت خویش کشته شود، ولی از دعوت به توحید دست بر ندارد. او در جواب ابوطالب فرمود:

يَا عَمَّاهُ! لَوْ وَضَعُوا الشَّمْسَ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرَ فِي شِمَالِي عَلَى أَنْ أَتْرُكَ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يَظْهَرَ اللَّهُ أَوْ أَهْلِكَ فِيهِ مَا تَرَكْتُهُ. (ابن هشام، بی تا: ج ۱، ۲۵۶؛ ابن اثیر، ۱۴۰۲: ج ۲، ۶۴؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۶۷؛ ابن کثیر، بی تا: ج ۲، ۳۹۲؛ ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۱، ۱۲۱)

بنابراین اگر گسترش توحید و پیروزی آن بر شرک و کفر، هدف پیامبران است و خداوند وعده تحقق آن را داده، این هدف هنوز تحقق پیدا نکرده است.

وعده های تحقق نیافته رسول خدا ﷺ

افزون بر وعده های تحقق نیافته خداوند، وعده هایی نیز رسول خدا ﷺ به امت اسلامی داده که هنوز عملی نشده اند. این بحث نیز پیش فرض هایی دارد.

الف) دانش فرابشری

دانش بشری به دلیل محدودیت هایی که دارد نمی تواند همیشه واقعیت را نشان دهد تا چه رسد به این که آینده چند هزار ساله را پیش بینی کند. از این رو پیامبران به دانش فرابشری نیاز دارند تا آنان را با واقعیت های جهان هستی روبه رو کند و بتوانند از آینده افراد و جهان خبر دهند. بر این اساس، در قرآن ضمن تأکید بر امی بودن و مکتب نرفتن پیامبر: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ

الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ (اعراف: ۱۵۷) و این‌که پیش از پیامبری قدرت نوشتن نداشته: ﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَ لَمْ تَخُطْهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَأَرْتَابَ الْمُضِلُّونَ﴾ (عنکبوت: ۴۸)، بر این نکته تأکید می‌نماید که او آموزش الهی دیده: ﴿عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى﴾ (نجم: ۵) و اطلاعاتی که در اختیار اوست وحی خداوند است: ﴿اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾. (انعام: ۱۰۶)

ب) عصمت

افزون بر آن‌که دانش پیامبران فرابشری است از هرگونه خطا، نسیان و سهو نیز در امان هستند. بر این اساس، قرآن تأکید دارد وحی از مرکز صدور تا رسیدن به پیامبر توسط امین آورده شده است: ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾ (شعرا: ۱۹۳) و پیامبران نیز در انتقال این پیام امین بوده‌اند: ﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾ (شعراء: ۱۰۷) به‌ویژه درباره پیامبر اسلام ﷺ افزون بر تأکید بر آن‌که آموزش او الهی است، تصریح می‌کند آن‌چه پیامبر ﷺ می‌گوید وحی است: ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى﴾. (نجم: ۴)

باتوجه به پیش‌فرض‌های یاد شده پیش‌گویی‌های پیامبر ﷺ دانش الهی است و تحقق آن‌ها لازم است. وعده‌هایی که رسول خدا ﷺ به امت اسلامی داده است که هنوز تحقق نیافته، عبارتند از:

۱. تداوم ثقلین تا پایان تاریخ

یکی از روایات متواتر میان مسلمانان حدیث ثقلین است. بر این اساس آن‌چه راویان حدیث نقل کرده‌اند پیامبر ﷺ دست‌کم این حدیث را در چهار مورد بیان کرده است: اولین بار در حجة‌الوداع در عرفه (ترمذی، ۱۴۱۴: ج ۵، ۴۳۲؛ طبری، بی‌تا: ج ۲، ۴۰۲؛ ابن‌هشام، بی‌تا: ج ۴، ۲۴۸؛ ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۲، ۷۰۹)، دومین بار در مراسم غدیر خم (نسائی، ۱۴۱۹: ۱۱۹؛ قشیری نیشابوری، بی‌تا: ج ۳، ۱۶۱ و ج ۴، ۱۲۲؛ گنجی، بی‌تا: ۵۳)، سومین بار در مسجد مدینه (ابن‌عطیه، بی‌تا: ج ۱، ۳۴) و چهارمین بار در پنج‌شنبه پایان عمرش در منزل خود (هیثمی، بی‌تا: ۱۲۶). گرچه حدیث ثقلین با عبارات مختلف نقل شده است، ولی عبارت «لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض» که از تداوم وجود ثقلین تا پایان تاریخ حکایت دارد، در همه روایات مشترک است. یکی از این دو ثقل، قرآن است که چون آخرین کتاب آسمانی است باید تا پایان تاریخ باشد و دیگری نیز که اهل‌بیت آن حضرت است که مفسر و مبیین قرآن هستند و باید تا پایان تاریخ باشند.

۲. تحقق دوازدهمین جانشین

در اندیشه شیعه، جانشینی پیامبر ﷺ ادامه کار اوست. از این‌رو در جانشینان پیامبر ﷺ دو ویژگی مهم آن حضرت، یعنی عصمت و علم فرابشری لازم است و چون تشخیص این دو

ویژگی در توان بشر نیست، تعیین جانشینان پیامبر نیز از عهده آن حضرت خارج است و توسط خداوند انجام می‌شود و پیامبر تنها اعلان و تبلیغ آن را بر عهده دارد. (حلی، بی‌تا: ۲۲۵؛ مفید، بی‌تا: ۶۵؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۱: ۴۳۶؛ اسدآبادی، ۱۴۱۴: ۱۴۵؛ رازی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۹۶)

باور به جانشینان دوازده‌گانه رسول خدا ﷺ از ضروریات مذهب و مورد اتفاق همه دانشمندان شیعه است. (صدوق، ۱۳۸۵: ج ۲، ۲۰۴؛ همو، ۱۳۹۰: ج ۱، ۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۶، ۲۲۶؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۳۸) در منابع اهل سنت نیز جانشینان دوازده‌گانه با عبارات گوناگون یاد شده‌اند. (سهمودی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۴۹؛ ابن حنبل، ۱۴۱۵: ج ۶، ۱۱۹؛ ابن ابی داود، ۱۴۱۸: ج ۴، ۸۹؛ قندوزی، بی‌تا: باب ۷۷)

با توجه به این روایات و مشخصات یاد شده برای آنان هنوز دوازدهمین جانشین به صورت علنی امامت جامعه را عهده‌دار نشده است و این وعده باید تحقق یابد.

۳. وعده عدالت جهانی

عدالت به معنای رعایت استحقاق‌ها، از اهداف رسالت پیامبران است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ». (حدید: ۲۵) از این رو خداوند به رعایت این‌گونه عدالت دستور می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) و از انسان‌ها خواسته است عدالت را در گفتار: «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» (انعام: ۱۵۲)، رفتار: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده: ۸)، شهادت دادن: «فَإِذَا بَلَغَ الْبُلُغَ فَمَنْسُكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ» (طلاق: ۲) نوشتن اسناد: «وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ» (بقره: ۲۸۲)، برقراری صلح: «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات: ۹) و قضاوت کردن: «إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸) رعایت کنند.

قرآن درباره رسول خدا ﷺ تأکید دارد که یکی از وظایف او گسترش عدالت میان مردم است: «لَذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ». (شوری: ۱۵) افزون بر عدالت‌گستری که در سراسر جهان هنوز رخ نداده است، یکی از وعده‌هایی که رسول خدا به امت اسلامی داده، عدالت فراگیر است که با قیام مهدی ﷺ اتفاق خواهد افتاد، تا آن‌جا که عبارت «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا» عبارت متواتر در روایات مربوط به حضرت مهدی ﷺ است. و این وعده‌ای است که هنوز تحقق نیافته و باید محقق گردد.

۴. قیام حضرت مهدی علیه السلام

در روایات اسلامی دربارهٔ جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله تصریح شده است که اولین آنان علی علیه السلام و آخرین آنان مهدی علیه السلام است. (قندوزی، بی تا: باب ۷۷) قیام جهانی آخرین جانشین به قدری قطعی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیتم را برانگیزد و زمین را از عدل آکنده کند. (ابن ابی داود، ۱۴۱۸: ج ۴، ۸۷؛ ترمذی، ۱۴۱۴: ج ۴، ۹۹؛ ابن حنبل، ۱۴۱۵: ج ۱، ۶۲۲؛ بغدادی، ۱۴۱۴: ج ۴، ۳۸۸؛ هندی، بی تا: ج ۱، ۲۶۵)

روایات قیام مهدی علیه السلام به گونه‌ای است که دانشمندان اهل سنت تواتر آن‌ها را پذیرفته‌اند. (صاحبان، بی تا: باب ۲، ۱۴۰؛ شبلنجی، بی تا: ۱۵۵؛ هیثمی، بی تا: ۹۹؛ زینی دحلان، بی تا: ج ۲، ۲۱۱؛ ناصف، بی تا: ج ۵، ۳۶۲)

در منابع شیعه، ضرورت قیام مهدی علیه السلام از باورهای قطعی تلقی می‌شود که به بعضی از منابع آن پیش‌تر اشاره کردیم، در حالی که این قیام تا کنون اتفاق نیفتاده و باید در پایان تاریخ تحقق یابد.

نتیجه

بر اساس اندیشهٔ دینی، وعده‌های خداوند تخلف‌ناپذیر است. از طرفی خداوند در کتب آسمانی از جمله قرآن، وعده‌هایی مانند حاکمیت جهانی دین، حاکمیت صالحان و مستضعفان بر زمین و... داده است که هنوز تحقق نیافته‌اند. همچنین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که دانش و حیانی دارد و از آیندهٔ جهان بااطلاع است وعده‌هایی همچون قیام حضرت مهدی علیه السلام، گسترش عدالت جهانی و... داده است که هنوز تحقق نیافته‌اند. بنابراین باید در یک قیام جهانی که بر اساس روایات اسلامی توسط حضرت مهدی علیه السلام انجام خواهد گرفت وعده‌های داده شده از طرف خداوند و رسولش تحقق یابند.



منابع

۱. ابن عطیه، ابومحمد، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، تحقیق: المجلس الاعلی بفاس مراکش، بی نا، بی تا.
۲. ابن ابی داود، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، تحقیق: صدقی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
۳. ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ق.
۴. ابن بطریق، یحیی بن الحسن، *خصائص الوحی المبین*، تحقیق: محمودی، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۵. ابن حنبل، احمد، *المستند*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۱۵ق.
۶. ابن کنیر، اسماعیل، *البدایة و النهایة*، بیروت، مکتبة المعارف، بی تا.
۷. _____، *السیرة النبویة*، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۳ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ق.
۹. ابن هشام، عبدالملک، *السیرة النبویة*، تحقیق: مصطفی سقا، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۰. اسدآبادی، عبیدالله بن عبدالله، *المقنعة فی الإمامة*، تحقیق: استاد شاکر، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۱. انجمن کتاب مقدس، کتاب مقدس، انجمن کتاب مقدس ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷م.
۱۲. بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه دارالمجتبی، ۱۴۲۸ق.
۱۳. بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۴. بیات، عبدالرسول، *فرهنگ واژه ها*، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱ش.
۱۵. ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن ترمذی*، تحقیق: احمد شاکر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۶. تفسیری، ابوالفضل، *وجوه قرآن*، تحقیق: دکتر مهدی محقق، تهران، بنیاد قرآن، بی تا.
۱۷. جوینی، ابراهیم، *فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین*، تحقیق: محمودی، بیروت، مؤسسه محمودی، بی تا.
۱۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
۱۹. حجتی، محمدباقر، *اسباب النزول*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۲۰. حسکانی، عبیدالله، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلة فی اهل البيت*، تحقیق: محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۲۷ق.

۲۱. حلی، حسن بن یوسف، *كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، مشهد، کتاب فروشی جعفری، بی تا.
۲۲. ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ اسلام*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۹ق.
۲۳. _____، *السیرة النبویة*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۹ق.
۲۴. رازی، سدیدالدین محمد، *المنقذ من التقليد، تحقیق و نشر: مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.*
۲۵. راغب اصفهانی، حسین، *مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان، قم، طلیعه نور، ۱۴۲۶ق.*
۲۶. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاول، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۷ق.*
۲۷. زینی دحلان، احمد، *الفتوحات الإسلامیة، قاهره، بی تا، بی تا.*
۲۸. سهمودی، نورالدین، *جواهر العقدين فی فضل الشرفین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.*
۲۹. شبلنجی، مؤمن بن حسن، *نور الابصار فی مناقب آل البيت النبوی المختار، قم، منشورات رضی، بی تا.*
۳۰. شرتونی، رشید، *المبادئ العربیة، قم، انتشارات دارالعلم، چاپ سوم، ۱۳۶۸ش.*
۳۱. شریف رضی، علی بن حسین، *نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۲۷ق.*
۳۲. شریف مرتضی، علی بن حسین، *الذخیره فی الکلام، تحقیق: احمد الحسینی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۱ق.*
۳۳. صبان، محمد بن علی، *اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفی و فضائل اهل بیته الطاهرین، قاهره، مطبعة الجمهوریة، بی تا.*
۳۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الخصال، مترجم: یعقوب جعفری، قم، اندیشه هادی، ۱۳۸۵ش.*
۳۵. _____، *کمال الدین و تمام النعمة، مترجم: پهلوان، قم، دارالحديث، ۱۳۸۲ش.*
۳۶. _____، *عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، منشورات الاعلمی، ۱۳۹۰ق.*
۳۷. _____، *معانی الاخبار، تحقیق: غفاری، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۸ق.*
۳۸. طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، منشورات الاعلمی، ۱۳۹۴ق.*

۳۹. طباطبائی، محمدرضا، صرف سادہ، قم، دارالعلم، ۱۳۷۰ ش.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تہران، کتاب فروشی اسلامیہ، ۱۳۹۰ ق.
۴۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، مؤسسة الاعلمی، بی تا.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیہ، ۱۴۱۱ ق.
۴۳. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسہ آل البيت علیہ السلام، ۱۴۱۲ ق.
۴۴. عضیمہ، علی صالح، معاشناسی واژگان قرآنی، ترجمہ: دکتر سیدی، مشہد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ ش.
۴۵. فوکویوما، فرانسیس، فرجام تاریخ و واپسین انسان، ترجمہ: علی رضا طیب، تہران، بی تا.
۴۶. فیض کاشانی، ملامحسن، کتاب الصافی، تہران، انتشارات الاسلامیہ، ۱۳۹۳ ق.
۴۷. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، انتشارات ہجرت، ۱۴۲۵ ق.
۴۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، قم، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۴۹. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۵۰. قندوزی، سلیمان بن ابراہیم، ینابیع المودہ، قم، کتاب فروشی بصیرتی، بی تا.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تہران، انتشارات اسلامیہ، بی تا.
۵۲. گنجی، محمد بن یوسف، کفایۃ الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، تحقیق: امینی، نجف، المطبعة الحیدریہ، بی تا.
۵۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۵۴. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیہ، قم، منشورات بصیرتی، بی تا.
۵۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تہران، دارالترجمہ، بی تا.
۵۶. مفید، محمد بن نعمان، اوائل المقالات فی المذاهب المختارات، قم، مکتبۃ الداوری، بی تا.
۵۷. ملکی، خلیل، فرہنگ اصلاحات اجتماعی و اقتصادی، تہران، انتشارات رواق، ۱۳۵۸ ش.
۵۸. ناصف، منصور علی، غایۃ المأمول فی شرح التاج الجامع للاصول، بی جا، بی تا.
۵۹. نسایی، احمد بن شعیب، خصائص امیر المؤمنین علیہ السلام، تحقیق: سید جعفر حسینی، قم، دارالتقلین، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۶۰. ہندی، علاء الدین، کنز العمال فی سنین الافعال و الاقوال، بیروت، مؤسسة المعارف، بی تا.
۶۱. ہیثمی، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقۃ، تحقیق: عبدالوہاب، قاہرہ، مکتبۃ القاہرہ، بی تا.